



Examining the practical obstacles and harms of forming an ideal Quranic society

بررسی موانع و آسیبهای عملی تشکیل جامعه ی ایده آل قرآنی

***Dr. Jawad Hiader Hashmi**

Assistant Professor, Department of Islamic Learning,
University of Karachi
Email: drjawadhaider@yahoo.com

****Hafiza Shenaz Batool Kumaili**

Teaching Assistant, Department of Islamic Learning,
University of Karachi
Email: bkomeili@yahoo.com

Abstract

Considering the key role of religion in human success and the urgent need of humans for divine life-giving programs in all aspects of life, and on the one hand, the undeniable existence of pests, injuries and many obstacles on the way to the implementation of the truth of religion in human life, it is very necessary and essential. In addition to knowing the religion and its rules and commands, the attention of the religious people should be directed towards the obstacles and harms of practicing the religion. Because without knowing the harms and dangers of the way, one cannot walk the path to health.

According to this need, in this article, an attempt is made to examine the main harms and obstacles in the way of practicing

religion and forming an ideal Quranic society, and the dangers that threaten religiosity and adherence to divine laws from within and without. It makes people stay away from religion. Injuries that cause religion to fade and even disappear in people's lives.

The dangers that humans face in their own happiness by drowning in worldliness and neglecting their divine nature, and by deceiving external and internal enemies and the devil and devils, they turn away from the path of salvation. And they deprive themselves of the good life that is the promise of the Almighty God and is fulfilled in the shadow of commitment to the commands of the Holy Quran.

Key words: happiness, ideal society, practical injuries, religious orders, religiosity

چکیده

با توجه به نقش کلیدی دین در سعادت بشر و نیاز مبرم انسانها به برنامه های حیات بخش الهی در تمام زوایای زندگی و از سویی وجود انکار ناپذیر آفات و آسیبها و موانع بسیار بر سر راه اجرای حقیقت دین در زندگی بشر، بسیار لازم و ضروری است که علاوه بر شناخت دین و احکام و فرامین آن، توجه دینداران به سوی موانع و آسیبهای عمل به دین نیز معطوف گردد. چرا که بدون شناخت آسیبها و خطرات راه نمی توان مسیر را به سلامتی پیمود.

بر حسب این نیاز، در این مقاله تلاش بر آنست که اهم آسیبها و موانع موجود در راه عمل به دین و تشکیل جامعه ی ایده آل قرآنی مورد بررسی قرار گیرد و خطراتی که از درون و بیرون، دینداری و التزام به قوانین الهی را مورد تهدید قرار میدهد و موجب دوری انسانها از دین میگردد بیان گردد. آسیب هایی که موجب کمرنگ شدن و حتی محو شدن دین در زندگی افراد می گردد.

خطراتی که انسانها با غرق شدن در دنیاپرستی و غفلت از فطرت الهی خود، متوجه سعادت خویش می نمایند و با فریب دشمنان ظاهری و باطنی و شیطان و شیطان صفتان، از مسیر رستگاری کناره می گیرند. و خود را از حیات طیبیه ای که وعده خداوند متعال است و در سایه التزام به فرامین قرآن کریم محقق میگردد، محروم می سازند.

واژه های کلیدی: سعادت، جامعه ایده آل، آسیبهای عملی، دستورات دین، دینداری

تمہید

خداوند متعال انسان را آفرید و هدف این خلقت شگفت را عبودیت و لقای خویش قرار داد و سعادت انسان را در این مسیر قرار داد. یقیناً خالق حکیم انسان که به تمام نیازهای او آگاه است، انسان را در این دنیا بی برنامه و سرگردان رها ننموده است. خداوند متعال برای هدایت انسان در زندگی و ثبات او در مسیر بندگی، دین را فرستاد. بدان معنا که رمز بر خورداری جامعه ی بشری از آرامش و سعادت، ایمان و اعتقاد به خداوند یگانه در زندگی افراد جامعه است و ایمان وقتی موجب آبادانی دنیا و آخرت انسان ها می شود که به حقیقت آن ، جامعه ی عمل پوشانده شود و زندگی در تمامی زوایا رنگ الهی بگیرد.

دین اسلام آخرین و کاملترین دین الهی برای هدایت بشر است و کتاب آسمانی آن قرآن کریم، قانون زندگی و راهنمای جامع حیات طیبیه ی انسانی است. اما همواره جوامع، با وجود اسلامی بودن، دچار مشکلات عدیده ای در جوانب مختلف هستند و به جرات می توان گفت که علت اکثر مشکلات موجود در جوامع اسلامی، اکتفا به نام مسلمانی و اخذ برخی ظواهر دین و متاسفانه عدم عمل به احکام و فرامین حیات بخش قرآنی در تمام زوایای زندگی است. در حقیقت از بدو خلقت انسان، ابلیس دشمن قسم خورده بشر شد و همواره در طول تاریخ بشر، شیطان و لشکر بی شمارش به دنبال منحرف نمودن انسان از مسیر سعادت بوده و دین که برنامه ای از سوی خالق انسان برای راهنمایی و هدایت اوست همواره در معرض انواع آسیبها و موانع و تهدیدها بوده است.

برای در امان ماندن از این آسیبها و حفظ دین و رشد و سعادت فردی و اجتماعی باید آسیبهای عملی دین مداری را شناخت و راه درست از بین بردن این تهدیدها و موانع سعادت بشر را آموخت. در واقع، فرد و جامعه تا ندانند چه خطرانی آنها را تهدید میکند و چه دشمنانی در کمین شان نشسته اند و چه حربه هایی در چنجه دارند، نمی توانند به درستی بر مدار دین حرکت نمایند و به آرزوی جامعه ی ایده آل قرآنی برسند بلکه با انواع تهدیدها مواجه خواهند بود. به همین سبب یقیناً همان اندازه که شناخت دین و استحکام عقاید دینی، حائز اهمیت است، آسیب شناسی عمل به فرامین دینی نیز ضروری است تا بتوان توطئه ابلیس و جنود ابلیس را خنثی نمود و راه سعادت بشر را از موانع و تهدیدها پاک نمود و مسیر سعادت را هموار کرد.

لذا لازم است که مومنین برای رسیدن به جامعه ی ایده آل قرآنی از شناخت قوانین و دستورات دین، در جهت اجرای آنها تلاش نمایند و برای این هدف، به همان اندازه که

شناخت دستورات و احکام دین لازم است، شناخت موانع عمل به احکام دین و آفات عمل به دستورات دینی نیز بسیار ضروری است تا بتوان با رفع موانع دینمندی از زندگی فردی و اجتماعی، ملزم به اجرای فرامین دینی گشته و به ارزشهای دینی در سطح جامعه، حاکمیت بخشید. در این مقاله به مهمترین موانع و آسیبهای اجرای دستورات دینی پرداخته می شود و انواع آسیبهایی که ممکن است مانع تحقق جامعه ایده آل قرآنی باشد بیان میگردد. باشد که افراد جامعه اسلامی با بکارگیری راهنماییهای قرآن کریم و ایجاد بصیرت و معرفت دینی و عمل به احکام دین به هدف والای ایجاد جامعه ای فاضله که ایده آل قرآن کریم است نزدیک گردند.

1- ضعف ایمان و سستی در اعتقادات

ایمان به اصول دین، بر زندگی فردی و اجتماعی انسان تاثیر دارد و این ایمان هر چه مستحکم تر باشد، پایداری انسان در صیانت و حفظ دین بیشتر میگردد. ایمان مستحکم و پایدار در سطح جامعه موجب قوت و استقلال مسلمین می گردد. اما چنانچه ایمان مومنین سست و ضعیف باشد، ثبوت و پایداری آن نیز کاهش می یابد به گونه ای که در شرایط سخت تاب و توان مقاومت در دین و عمل به فرامین آن در افراد باقی نمی ماند. به همین سبب است که تاریخ شاهد دینداران بسیاری بوده که در میدان عمل و وقت نیاز و شدت، دین را رها کردند و از میدان عمل به اعتقادات گریختند. و حتی در منطق قرآن از این گونه افراد ضعیف الایمان، بعنوان منافق یاد شده. چرا که به علت ضعف و سستی در ایمان، جان و مال خود را بر دین خدا ترجیح دادند و از میدان نبرد و حکم جهاد گریختند. قرآن کریم میفرماید:

«وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمْ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَ مَا هِيَ بِعَوْرَةٍ أَنْ يُرِيدُوا الْإِفْرَارَ»¹

«گروهی از منافقان (برای برگشت از میدان جنگ) از پیامبر اجازه خواسته، می گفتند: خانه های ما دیوار و حفاظی ندارد. در صورتی که دروغ می گفتند و مقصودشان تنها فرار از جبهه جنگ بود.»

مصادق بارز فرار از دستورات دینی، میدان جنگ است. آنجا که سختی و شدت غلبه می کند و پای جان انسان در میان است، عیار واقعی ایمان هر فرد بصورت عینی محک میخورد و مشخص میشود به آنچه تا این لحظه ایمان داشته وفادار میماند یا به تمام اعتقادات خود پشت کرده و فرار را بر قرار ترجیح میدهد. با این وجود، اگر کمی با

دقت زندگی دینداران و جوامع دینی را بررسی نماییم، به وضوح و روشنی معنای حدیث پر معنی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را در می یابیم، که فرمودند:

«مَرْحَبًا بِمَوْمِقُ قُضُوا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَ بَقِيَ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَ وَمَا الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ قَالَ جِهَادُ النَّفْسِ. 2»

«مرحبا به قومی که جهاد کوچکتر را به اتمام رساندند و جهاد بزرگتر باقی است. عرض کردند: ای رسول خدا جهاد بزرگتر کدام است؟ فرمود: جهاد با نفس.»

که این جهاد اکبر در تمام زوایای زندگی دیده میشود! در زندگی روزمره انسانها در ترک محرمات و گناهان، در رفتار آنها در خانواده، در شیوه تربیت و آموزش فرزندان، در رعایت حقوق یکدیگر، در ادای حق نماز، در برخورد با نامحرمان و رعایت حریمها، در اجرای احکام مالی و ادای دیون، در بذل و انفاق و دستگیری از هموعان در میزان اجتناب از فساد مالی و... میتوان آیات قرآن را پیش رو گرفت و با حقایق موجود در جامعه و زندگی افراد مقایسه نمود. آنگاه، معنای ضعف ایمان و سستی در اعتقادات و فرار از احکام دین روشن میگردد. در واقع انسان، در طول حیات هیچگاه از جهاد با نفس خود فارغ نیست و در این همالورد مادام العمر همواره باید هوشیار باشد که قافیه را به این حریف قدر و جان سخت نیازد؛ چرا که شکست خوردن از نفس به مراتب شدیدتر از شکست خوردن در جنگ نظامی و واقعی است. اگر انسان مسلمان در جنگ واقعی کشته شود، در واقع به درجه رفیع شهادت نائل شده و ضمن خوشنامی در جامعه قرآنی، از الطاف بیکران پروردگار خود بهره مند خواهد شد و اگر مجروح شود به عنوان یک جانباز سرافراز مورد تکریم خدا و مردم است. همچنین در صورت شکست در جنگ، بدون سرافکنندگی میتواند با تجدید قوا دوباره به قلب دشمن بزند و او را به زانو در آورد. اما در نبرد با نفس، در صورت شکست خوردن، نه تنها امکان عقب نشینی و تجدید قوا به آسانی میسر نیست بلکه جانبازی و شهادتی هم وجود ندارد؛ و انسانی که در این جنگ سخت با دشمن درونی خود، شکست بخورد، نه تنها افتخار و سربلندی به دست نیاورده، بلکه با زبونی و خواری مواجه شده و از درون به هلاکت و نابودی کشیده میشود. قرآن کریم به این امر مهم متذکر شده که تنها نام مومن داشتن کافی نیست و مسلمانان برای اثبات ایمان و صدق گفتارشان،

حتما مورد امتحان قرار خواهند گرفت و نشان دادن ایمان در عمل بسیار لازم و ضروری است ایمان حقیقی و دارای ارزش آنست که به آن جامه عمل پوشانده شود: «أَحْسِبِ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ؟»³

«آیا مردم گمان کردند همین که بگویند: «ایمان آوردیم»، به حال خود رها می‌شوند و آزمایش نخواهند شد؟»

براستی که اگر مومنین به استحکام عقاید خود بپردازند و در دژ مستحکم ایمان حقیقی قرار گیرند، حفظ دین با عمل به احکام آن ممکن می‌گردد و در غیر اینصورت تنها نام دیندار داشتن، دردی از زندگی بشر را دوا نمی‌نماید و نیل به سعادت بدون عمل به دین و برپا نمودن دین ممکن نخواهد بود.

2- غفلت از یاد خدا و آخرت

یکی از مهمترین آسیبها و موانع در راه عمل به احکام دین و اطاعت از فرامین قرآنی، غفلت از یاد خدا و یاد آخرت است. انسان اگر خالق و ولی نعمت خود را فراموش کند، جایگاه خود در این نظام هستی را نیز به فراموشی می‌سپارد و عبد و بنده بودن خود و وظایف خود در مقابل او را نیز فراموش می‌نماید و در نتیجه به فسق و گناه روی می‌آورد. «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»⁴

«و همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آنها را به «خود فراموشی» گرفتار کرد، آنها فاسق‌اند.»

غفلت از یاد خدا انسان را به وادی پیروی از نفس می‌کشاند. طبیعی است انسانی که عظمت و شوکت پروردگار بی‌همتای خود را به فراموشی بسپارد و در لذتهای فانی دنیا غرق شود، رفته رفته تبعیت از دستورات الهی برایش دست و پا گیر به نظر می‌آیند و در نتیجه انسان تحت فرمان هواهای نفسانی، دست به هر گناهی خواهد زد و مسلما در اینصورت خود را برای انجام احکام دین خدا به مشقت نخواهد انداخت. از این روی قرآن کریم جهت از بین بردن این آفت از زندگی انسان او را از اطاعت و پیروی از غافلان از یاد خدا منع نموده:

«وَلَا تَطْعَمْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا»⁵

«و از کسانی که قلبشان را از یاد خود غافل ساختیم اطاعت مکن! همانها که از هوای نفس پیروی کردند و کارهایشان افراطی است.»

و در مقابل، راه رستگاری و سعادت بشر را یاد خدا خوانده و امر نموده که مداومت بر یاد خدا داشته باشند.

«وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»⁶

«زیاد به یاد خدا باشید، امید است رستگار شوید»

براستی که هشدار قرآن کریم به مومنین در مورد غفلت زدگی بسیار لازم و بجاست چرا که غفلت، انسان صاحب عقل و درک را در حد چارپایان تنزل میدهد و او را غرق در غم دنیا می نماید که جز فکر خورد و نوش، دغدغه دیگری ندارد. و این بزرگترین مانع در راستای عمل به احکام دین است. لذا کتاب خدا انسان را متذکر شده به اینکه هر لمحہ در دید خداوند سمیع و بصیر است و هیچ چیز او را از حیطه دید خداوند قادر سبحان مخفی نمیکند و با توجه به این تذکر، انسان باید مراقب تمام و حرکات و سکنات خود باشد که، عالم محضر خداست!

بنابراین غفلت از یاد خدا زنگ خطری برای ایمان مومنین است. ایمان و عقیده ای که به فراموشی سپرده شود و بر مفاد آن عمل نشود باعث نجات انسان نخواهد بود و اگر زندگی دینداران مطابق دین جریان نیابد، به بیراهه خواهد رفت و به راحتی مورد سوء استفاده شیاطین و دشمنان دین قرار خواهد گرفت که خداوند متعال فرمود: «وَمَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُفَيِّضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ. وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ»⁷

«هر که از یاد خدای رحمن روی گرداند، شیطانی بر او می گماریم که همواره همراهش باشد. و آنها [شیاطین] این گروه را از راه خدا باز می دارند، در حالی که گمان می کنند هدایت یافتگان حقیقی آنها هستند!»

همچنین فراموشی مرگ و حساب و کتاب آخرت نیز از جمله آفات است که عمل به احکام و قوانین دین را تهدید می نماید. ایمان به معاد وقتی آثار سازنده ی خود را در زندگی فردی و اجتماعی نمایان میسازد که انسانها پیوسته به یاد آن باشند و خود را برای مرگ آماده نمایند و این آمادگی ممکن نیست جز با عمل و اجرای دستورات دین خدا و انجام فرامین الهی و بکار بستن درسهای قرآن کریم در زندگی

عملی. سعادت جامعہ بشری در آنست که از خواب غفلت بیدار شوند و جایگاه خود در عرصه هستی را پیدا نمایند و نقطه هدف زندگی را بشناسند و به سوی آن حرکت نمایند. که بفرموده قرآن کریم روز حساب نزدیک است و دریغا که انسانها در خواب غفلت بسر میبرند.

«افْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَ هُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ.»⁸

«حساب مردم به آنان نزدیک شده، در حالی که در غفلتند و رویگردانند.»

آری یاد مرگ پرده های غفلت را از پیش چشمان انسان برمیدارد و انسان را از غرق شدن در زندگی حیوانی نجات میدهد و برای بیماری خطرناک غفلت که ایمان را از بین میبرد و موجب تنزل و سقوط انسان از مقام انسانیت میگردد دارویی بهتر از یاد مرگ نیست که امام صادق ع فرمودند: «ذِكْرُ الْمَوْتِ يُمِيتُ الشَّهَوَاتِ فِي

النَّفْسِ وَيَقْلَعُ مَنَابِتَ الْعُقَلَةِ»⁹

«یاد مرگ، شهوت های نفسانی را می میراند و ریشه های غفلت را می خشکاند.»

بنابراین شایسته است که غفلت، این تهدید بزرگ عمل به دین و مانع سعادت انسان و جامعہ بشری، مورد توجه باشد و عوامل اغفال کننده انسانها مورد بررسی قرار گیرد و به افراد جامعہ اسلامی نسبت به این آفت هشدار داده شود تا جامعہ اسلامی به هدف ایده آل قرآن کریم نزدیک تر گردد. چرا که در حقیقت مسلمانان به اقتضای عقاید خود طالب بهشت و سعادت هستند و از جهنم گریزانند اما متأسفانه غالباً در میدان عملی و مشهود زندگی مسلمین بیماری خطرناک غفلت شایع گشته و بفرموده امام علی علیه السلام: «إِلَّا وَ اتَى لَمْ أَرَ كَالْجَنَّةِ نَامَ طَائِفُهَا وَ لَا كَالنَّارِ نَامَ هَارِجُهَا.

10»

«آگاه باشید من هرگز چیزی مانند بهشت ندیدم که خواستارانش به خواب رفته باشند و نه همانند آتش [دوزخ] که فراریان از آن [نیز]، این چنین در خواب فرو رفته باشند.»

انسانها با فرو رفتن در خواب غفلت، در واقع از هدف بهشت و سعادت حقیقی که به آن مشتاق هستند، باز می مانند و به جهنمی که از آن گریزانند، نزدیک میگردند.

3- دنیا طلبی

یکی از مهمترین آسیب‌هایی که بر سر راه اجرای احکام دین در زندگی دینداران قرار دارد، دنیا طلبی است. در این مبحث، توجه به این نکته ضروری است که حقیقت امر در منطق قرآن کریم آنست که دنیا مقدمه ای برای آخرت است و آنچه از نعمت در دنیا در اختیار انسان قرار میگیرد، امانتی است در دست او و آزمایشی است برای او. آبادانی حیات اخروی منوط به اعمال و وضعیت زندگی انسان در دنیاست. بنابراین دنیا به عنوان مقدمه بودن برای یک حیات جاودان، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. مقامات بهشتی انسانها حاصل تلاش و کوشش آنها در دنیاست.

«ان الدنيا... مَنجَرٌ أَوَّلِيَاءِ اللَّهِ»¹¹ «دنیا جایگاه تجارت دوستان خداست»

و اما آنچه مذموم و نکوهیده است و در آیات متعدد قرآن کریم و احادیث معصومین ع بارها مورد مذمت قرار گرفته دنیا طلبی و وابستگی به دنیا و هدف قرار گرفتن آنست. بگونه ای که انسان فریفته ی دنیا شود و متاع ناچیز دنیا را با زندگی ابدی و سعادت جاودان معاوضه نماید و آخرت خود را به دنیای فانی بفروشد. در اینصورت است که دنیا مانع و تهدیدی برای ایمان انسان می‌گردد و دنیا طلبی مومنین، آنان را از اجرای احکام دین باز می‌دارد. دنیا طلبی آفتی است که ریشه عقاید دینداران را نابود می‌کند و موجبات شقاوت و بدبختی انسانها را فراهم می‌آورد. تاریخ بشر شاهد نمونه های فراوان دینداری است که فریفته دنیا شدند و در مرز انتخاب سعادت و شقاوت ابدی، دنیا چشمانشان را کور نموده، پشت به دین کردند و چه بسا سبب بسیاری از جنایات بزرگی را که بشر مرتکب شده دنیا خواهی و دلبستگی به آن است. چه زیبا فرمود حضرت سیدالشهدا امام حسین ع:

«النَّاسُ عِبِيدُ الدُّنْيَا وَ الدِّينُ لَعِقٌ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ يَخُونُونَهُ مَا دَرَّتْ مَعَايِشُهُمْ فَإِذَا مُحْضُوا بِأَبْلَاءٍ قَلَّ الدِّيَّانُونَ.»¹²

«مردم بردگان دنیا هستند و دین لقالقه زبانشان است. مادامی که زندگیشان بر محور دین بگردد در پی آنند اما وقتی به وسیله بلا آزموده شوند، دینداران اندک می‌گردند.»

و این همان حقیقتی است که کتاب خدا به آن اشاره نموده که چه بسا دینداری که از دین فقط نامش را دارند آنان در وقت عمل آنگونه هستند که اگر دین به سودشان باشد خود را دیندار می‌نمایانند و اگر دین به ضرر دنیای شان باشد دین را رها می‌کنند.

کنند و از اجرای احکام دین شانه خالی می نمایند. به سبب این خطر بزرگی که از سوی دنیا، متوجه دین و سعادت بشر است، قرآن کریم مومنین را از وابستگی و دل فریفتگی به دنیا برحذر داشته: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ»¹³

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال و فرزندان شما را از یاد خدا غافل نکنند! و کسانی که چنین کنند، زیانکارانند.»

تا این آسیب جدی را رفع نماید و جامعه ایده آل قرآنی در سایه بهره مندی منطقی از دنیا و استفاده از دنیا در راه آبادانی آخرت به شکوفایی و کمال برسد. چرا که دلبستگی به ظواهر فریبنده دنیا مانع بزرگی بر سر راه اجرای دستورات دینی است و بزرگترین مانع پیشرفت و رشد معنوی انسانهاست. و موجب شقاوت ابدی آنان می‌گردد. قرآن کریم در توبیخ دیندارانی که بخاطر فریفتگی دنیا به احکام الهی عمل ننمودند فرموده است:

«ما لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَتَأْتُمُنَّ إِلَى الْأَرْضِ ارْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ»¹⁴

«چرا هنگامی که به شما فرمان می‌رسد: «به سوی جهاد در راه خدا حرکت کنید!» زمین گیر می‌شوید؟! آیا به جای سرای باقی، به دنیای فانی دل بسته‌اید. با این که کالای زندگی دنیا در برابر آخرت اندک است؟»

دنیا از سویی مزرعه ای برای آخرت است و از طرفی متاع اندکی است که با چهره ی فریبایش دین و عقاید و سعادت بشر را تباه می سازد.

«وَاعْلَمُوا أَنَّ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا لَعَبٌّ وَهُوَ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ»¹⁵

«بدانید که زندگی دنیا بازیچه و بیهودگی و آرایش و فخر فروشی و افزون جویی در اموال و اولاد است.»

آری آنچه مهم است چگونگی رابطه انسان با دنیاست که امام علی ع فرمود: «مَنْ أَبْصَرَ بِهَا بَصَرَهُ وَ مَنْ أَبْصَرَ إِلَيْهَا أَعْمَتَهُ»¹⁶

«آنکس را که بوسیله دنیا ببیند بینا سازد و آنکس را که به خود دنیا چشم بدوزد کور می کند.»

بدیهی است که آنچه گفته شد به معنای عدم بهره مندی از لذات حلال دنیا و عدم استفاده از نعمات بی شمار الهی در این دنیا نیست، انسان مومن ضمن هدف قرار دادن زندگی جاودانه در سرای آخرت، از دنیا به عنوان ابزاری برای دستیابی به هدف والای خود استفاده نموده و در این راه از آنچه خداوند به عنوان بهره ها و لذت‌های حلال در اختیارش گذاشته نیز سود می برد و لازم نیست تارک دنیا شود و به تمام چیزهایی که در دنیا هست پشت بنماید. لذا دنیا باید به عنوان مقدمه و وسیله ی سعادت اخروی مورد استفاده قرار گیرد نه آنکه خود هدف مستقلی واقع شود و هم و غم انسان متوجه طلب دنیا گردد. که مذمت قرآن متوجه هدف قرار گرفتن دنیا و دلخوش کردن به دنیاست و این انتخاب دنیا در برابر آخرت است که ناپسند و مهلک است:

«إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَ رَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اطْمَأَنُّوا بِهَا وَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ»¹⁷

«آنها که ایمان به ملاقات ما (و روز رستاخیز) ندارند، و به زندگی دنیا خشنود شدند و بر آن تکیه کردند، و آنها که از آیات ما غافلند.»

یقیناً نتیجه ی طبیعی و قطعی عدم ایمان حقیقی به معاد و حساب و کتاب آخرت آنست که انسان به زندگی مادی دنیا بیشتر علاقه مند و دلبسته میشود و به آن تکیه می نماید. که نتیجه آن فساد اعمال و گمراهی است.¹⁸

4- پیروی از هوی و هوس و ارتکاب گناهان

یکی از بزرگترین موانع انسان در راه عمل به احکام و دستورات دین، هوای نفس انسان است. هوای نفس انسان که پا به پای شیطان، دشمن سعادت و هدایت انسان است. قرآن کریم در آیات متعددی انسان را نسبت به این آفت و تهدید هشدار داده. چرا که خواسته های نفس اماره ی انسان مرز نمی شناسد و چنانچه انسان پی آن را بگیرد، به وادی ظلمت و گمراهی و تباهی می رسد اگر چه آن انسان صاحب علم و ایمان هم باشد، پیروی از هوای نفس بر علم و ایمان هم پرده میپوشاند. و در یک لمحہ ممکن است، یک عمر عبادت و بندگی او را به باد دهد. چنانچه قرآن کریم در مورد بلعم باعورا دانشمند بنی اسرائیل میفرماید:

«وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَ لَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ. . .»¹⁹

«و اگر می خواستیم، (مقام) او را با این آیات (و علوم و دانشها) بالا می بردیم (اما اجبار، بر خلاف سنت ماست پس او را به حال خود رها کردیم) و او به پستی گرایید، و از هوای نفس پیروی کرد...»!

چرا که او علم به دین داشت، اما به علوم و دانسته های دینی خود عمل نکرد و از هواهای نفسانی خود پیروی نمود و سقوط کرد.

در واقع این درد و آفت که ایمان بشر را نشانه گرفته در طول تاریخ همواره انسانها را زمین گیر نموده و از راه ایمان و سعادت، منحرف نموده است که اکثر انسانها در میدان تقابل دین و هوای نفس، خواسته های نفسانی و شهوات را ترجیح میدهند و دین و احکام دین را کنار میگذارند و حتی به مبارزه و نفی دستورات دین نیز میپردازند و یا احکام دین را مطابق خواسته و میل نفس خود تغییر میدهند. قرآن کریم روی این درد و بیماری بزرگ بشر دست گذاشته: «وَ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ رُسُلًا كُلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَ فَرِيقًا يَقْتُلُونَ»²⁰

«و رسولانی به سوی آنها فرستادیم (ولی) هر زمان پیامبری حکمی بر خلاف هوسها و دلخواه آنها می آورد، عده ای را تکذیب می کردند و عده ای را می کشتند.» و با تاکیدات بسیار به عدم پیروی از هوای نفس امر نموده است و آن را مانع هدایت انسان خوانده. لذا پیروی از هوای نفس، میل به گناه و زیر پا گذاشتن فرامین الهی و دستورات دین و قرآن را به دنبال دارد و در نتیجه با تکرار و اصرار بر گناهان، نه تنها انسان در میدان عمل به دستورات دین سست میشود بلکه کم کم ایمان و عقاید خود را به فراموشی می سپارد. در آیه دیگری از کلام الهی دلیل عدم استجاب و عدم اطاعت از فرمان رسول اکرم ﷺ، پیروی از هوای نفس خوانده شد:

«وَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ.»²¹

«اگر این پیشنهاد تو را نپذیرند، بدان که آنان تنها از هوسهای خود پیروی می کنند! و آیا گمراهتر از آن کس که پیروی از هوای نفس خویش کرده و هیچ هدایت الهی را نپذیرفته، کسی پیدا می شود؟! مسلماً خداوند قوم ستمگر را هدایت نمی کند.»

بنابراین هوای نفس انسان دشمن سعادت اوست و عامل گمراهی و فساد در دین انسان میگردد و به همین سبب در قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام، بر مبارزه با نفس بسیار تاکید شده و جهاد با نفس، امری با ارزش تلقی گشته است. زیرا پس از شناخت حق و قبول عقاید حقه ی دین، باید آسیبهای دینداری را شناخت و با آنها مبارزه نمود، و در غیر اینصورت از دین جز نامی باقی نمی ماند و هدف دین که ارائه ی برنامه زندگی و رساندن انسان به سعادت است محقق نمی گردد. چنانچه عامل تمام انحرافات بشر همین است که انسانها دستورات دین را مطابق میل و خواسته خود و با بررسی زیان و سود دنیایی خود برمی گزینند و به آنچه مطابق میل او و به سود اوست عمل کرده و آنچه مطابق هوا و خواسته او نیست را رها می نمایند و بدین صورت احکام دین را ضایع می نماید. لذا در جامعه ایده آل قرآنی این آفت و آسیب باید جدی گرفته شود و همگان متوجه این نکته بسیار مهم باشند که تنها عقیده به اصول دین و حقانیت این عقاید و علم به فروع دین، برای سعادت بشر کافی نیست و آنچه حائز اهمیت است، عمل به مقتضای این علوم و تلاش برای حرکت مداوم در مسیر حق و راه راست است. که امیرالمومنین علی ع میفرماید:

«إِنَّ الْخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ خَصَلَتَانِ: اتِّبَاعُ الْهَوَى وَطُولُ الْأَمَلِ؛ أَمَّا اتِّبَاعُ الْهَوَى فَيَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ وَأَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْآخِرَةَ»²²

«از دو خصلت بیش از هر چیز بر شما بیم دارم: پیروی از هوای نفس و آرزوی دراز؛ اما پیروی از هوای نفس آدمی را از راه حق باز می‌دارد و اما آرزوی دراز آخرت را به باد فراموشی می‌سپارد.»

5- اعمال ناشایست دینداران

یکی از آسیبهای جدی دین و دینداری، و نیز از عوامل مهم دین گریزی افراد، آن است که برخی دینداران به نام دین مرتکب اعمال ناپسند میگردند و باعث تنفر مردم جامعه از دین میشوند. افراد از هر قشری که باشند وقتی خود را به دین نسبت میدهند، باید رفتار و گفتار خود را مطابق دین و دستورات دینی جهت دهند تا دینداری باعث رشد و کمال آنان گردد. از سوی دیگر مراقبت از اعمال و رفتار بر دینداران لازم است تا احکام حیات بخش و انسان ساز دین همانگونه که حقیقتاً زیباست، در نظر دیگران نیز به زیبایی جلوه نماید و تساهل و کم کاری و بی توجهی انسان در اجرای احکام دین باعث نشود که تعریفی نامناسب و مشمئز کننده

از دین در ذهن دیگران به وجود آید. ایجاد نفرت از دین به واسطه دینداران می تواند به چند صورت انجام گردد حال خواسته و عمدی باشد و یا ناخواسته و سهوی. به هر حال عدم مراقبت دینداران از رفتار و گفتارشان می تواند چنین ضربه سنگینی را متوجه دین سازد. چنانچه افراد دیندار بخصوص قشر علما و بزرگان دین، که راهنمای دینی مردم در جامعه به حساب می آیند و عوام، آنان را نمایندگان دین میدانند، مردم را به اطاعت از اوامر الهی و دستورات دینی فرا بخوانند و از محرمات بر حذر دارند و احکام دین را در جامعه تشریح نمایند و مردم را به بهشت الهی ترغیب نموده و از جهنم بیم شان دهند اما خود به آنچه میگویند پایبند نباشند. حرامها را مرتکب شوند و واجبات را ترک نمایند و بدتر از آن اینکه اعمال ناشایست خود را توجیه نموده و عوام فریبی کنند، همراه خود افراد زیادی را به ضلالت و تباهی سوق خواهند داد.

همانگونه که قرآن کریم در مورد برخی اشراف یهود که در زمان پیامبر ص خواستار تغییر احکام دین و تخفیف مجازات در حق اشراف بودند²³ در آیه 41 سوره مائده سخن به میان آورده و آنان را مذمت فرموده. اینگونه اعمال از سوی دینداران بخصوص طبقه علمای دین، موجب دین گریزی مردم میگردد. قرآن کریم مومنین را به یکرنگی در گفتار و کردار فرا می خواند و از گفتن سخنان بی عمل نهی میفرماید «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ . كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ»²⁴

«ای کسانی که ایمان آورده اید! چرا سخنی می گوئید که عمل نمی کنید . نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگوئید که عمل نمی کنید!» چرا که این شیوه عمل، آفت بزرگی برای دینداری است و علاوه بر اینکه خود شخص انجام دهنده ی این کار مبتلا به نفاق گشته و به تدریج ایمان خود را از دست میدهد، به جامعه اسلامی نیز صدمات جبران ناپذیری را وارد می نماید و موجب دلسردی مردم از دین میشود و رونق و ثبات و قوام دین در میدان عمل کمرنگ میگردد و عظمت دین در نظر دوست و دشمن کاهش می یابد و نیز باعث از بین رفتن قبح عدم عمل به احکام دین می شود و در نتیجه به تدریج نقش دین در زندگی فردی و اجتماعی مردم کمرنگ میگردد. در واقع این نوع اعمال ناشایست از سوی دینداران، نوعی دین ستیزی و مبارزه با دین از درون و بالاخص از سوی خواص است. رفتار خصمانه ی دیگری که از اینگونه افراد نسبت به دین الهی سر میزند آنست که آنان،

عوام را در جامعه با حقایق احکام دین آشنا نسازند بلکه احکام دین را مطابق مصالح و منافع خود بیان نمایند و یا تغییرات و تحریفاتی در احکام دین به وجود آورند و آنچه مطابق میل خود است به مردم جامعه آموزش دهند! چنانچه قرآن کریم میفرماید: «أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ»²⁵

«آیا انتظار دارید به (آئین) شما ایمان بیاورند، با اینکه عده‌ای از آنان، سخنان خدا را می‌شنیدند و پس از فهمیدن، آن را تحریف می‌کردند، در حالی که علم و اطلاع داشتند.» که برخی مفسرین گفته اند: منظور در این آیه آن جماعت از دانشمندان یهود است که تورات را تغییر داده حلال را حرام و حرام را حلال نمودند بر طبق خواهشهای دل و کمک به آنهایی که از رشوه دادن باینان دریغ ندارند.²⁶

درآموزه های اسلام، دائما بر تعقل و تفکر تاکید شده و هر مسلمانی با اندکی تدبر متوجه می شود، غیر از معصومین(ع) تمام افراد و انسانهای دیگر در معرض گمراهی و لغزش هستند، لذا نباید تمام افعال و اقوال آنها را به عنوان مظهر دین قلمداد کرد. و نباید هر عیب و نقص موجود در دینداران را به منزله عیب و نقص در دین دانست. اگر مسلمانان نسبت به این تذکر واقف بوده و هشیار باشند، دیگر ضعفها، کم کاریها و حتی اشتباهات دینداران را موجب خدشه در دین ندیده و نسبت به دین بد دل و بدبین نمی شوند. اما اگر به این نکته توجه نداشته باشند، با دیدن لغزش و خطا در افرادی که داعیه دینداری دارند- هر آینه، نسبت به دین احساس تردید و بدگمانی بیشتری پیدا خواهند کرد و نهایتا از دین و دینداری اعلام انزجار و برائت مینمایند. در مرحله ای دردناکتر، ممکن است انسانهایی که دینشان را به جای گرفتن از سرچشمه از دست افراد متظاهر و دیندار نما گرفته اند، تمام دین را در حرکات و سکنات مرجع و مراد خود ببینند؛ در این ورطه با هر خطا و لغزش مرجع دیندارنما، تمام مریدان نیز دچار لغزش و انحراف میشوند. تعداد زیاد افراد این چنینی که ساده لوح و سطحی نگر هستند، باعث شده که مراجع دیندار نما بازار پر رونقی برای خود داشته باشند، این افراد دو رو، بعد از جمع کردن تعدادی مرید و به دست آوردن اعتماد آنها، رفته رفته سفره عقاید انحرافی خود را پهن کرده و به خورد پیروان خود بدهند، مریدان که شیفته و خام این فرد متظاهر شده اند و تصور میکنند هرچه او میگوید و انجام میدهد، همان است که دین میخواهد، ناخواسته از مسیر دین منحرف شده و با طناب پوسیده این فرد فریبکار به چاه

گمراہی و ہلاکت می افتند. آن مرجع دیندار نما نیز با همین ترفند و با سوء استفاده از افراد ساده لوح روز به روز به جاه و مقام مادی خود می افزاید و اغراض شیطانی خود را از طریق مریدان فریب خورده خود به دست می آورد.

همچنین عمل دیگری که موجب دین گریزی مردم جامعه میشود سخت گیری های بیجای برخی دینداران در اجرای احکام دین است یعنی بیش از آنچه دین خدا و سنت رسول خدا از مومنین خواسته را بر مردم تحمیل نمایند و بدعتی از سوی خود در اوامر دینی ایجاد نمایند. به طور کلی، دین نه باید آن قدر سخت و خشک معرفی شود که موجب فراری دادن پیروان خود شود و نه باید آن قدر سهل و بی حساب و کتاب معرفی شود که پیروان آن، مجوز هر عصیان و خطایی را داشته باشند. لذا برای مصونیت دین ناب از انواع رفتارهای دین ستیزانه ی دینداران مغرض و یا جاهل، باید همه افراد جامعه نسبت به این مسئله بصیر و آگاه باشند که اگر از سوی دینداران فساد و فحشا سر میزند، نباید آنرا به دین نسبت داد چرا که خود کتاب الهی اینگونه رفتارهای ناشایست را به شدت مذمت نموده و از آن نهی میفرماید.

6- مسئولیت گریزی

یکی از شایعترین آفات و آسیبهایی که دینداری و اجرای دستورات الهی در جامعه را تهدید میکند، شیوع روحیه بهانه جویی دینداران و فرار آنان از مسئولیتهای دینی است. از آنجا که دین برای تمام زوایای زندگی انسان برنامه دارد و با عمل به آیات قرآن سعادت انسان تضمین میشود، انسان مومن در هر جایگاه و نقشی که قرار گیرد، وظایف و مسئولیتهایی بر عهده دارد و ملزم به انجام قوانین دینی در آن زمینه است. و اصلاً معنای عبودیت که مقصد خلقت انسان است همین است که انسان در تمام جوانب و تمام حرکات و سکونش تابع دستور الهی باشد. اما آفت و بیماری شایع و خطرناکی که دینداری افراد را تهدید می کند، وجود روحیه بهانه جویی در انسان است. که او به دلایل مختلف سعی می کند از وظایف دینی شانه خالی نماید. چنانچه تاریخ شاهد نمونه های بسیاری از بهانه جویی ها و کم کاری های دینداران بوده که به سبب آن زیانهای بسیاری متوجه دین گشته است. در قرآن کریم آمده است که در یکی از جنگها، عده ای از مسلمین از فرمان پیامبر ﷺ سرپیچی کرده و با پیش آوردن بهانه های مختلف، در مدینه ماندند. لذا این افراد را به شدت مورد سرزنش قرار داده می فرماید:

«فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَ كَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ قَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ»²⁷

«تخلف کنندگان، از مخالفت با رسول خدا (ص) خوشحال شدند و خوش نداشتند که با اموال و جانهای خود در راه خدا جهاد کنند و [به یکدیگر و به مؤمنان] گفتند: در این گرما [به سوی جهاد] حرکت نکنید. به آنها بگو آتش جهنم گرمتر از این است، اگر بفهمند.»

آری سعادت انسان بوسیله دین زمانی تضمین می‌گردد که انسان برنامه های دین را در زندگی عملی خویش به کار گیرد و دین را صرفاً در قالب عقاید نگاه ندارد که نشانه عقیده ثابت و مستحکم آنست که به احکام دین عمل شود. در منطق قرآن کریم، زندگی انسان تلاش و حرکتی است بسوی خدا و مقصد، لقاء خداوند یگانه است. «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهَ»²⁸

و نتیجه تمام تلاشهای انسان به خود او باز می‌گردد. «أَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»²⁹

و انسان در قبال تمام اعمالش مسئول است و روزی باید حساب پس دهد. «إِن السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا»³⁰ توجه به این آیات کریمه و بسیاری دیگر از آیات که لزوم انجام مسئولیتها را به انسان متذکر شده و عواقب تلخ فرار از مسئولیت را گوشزد می نماید، باعث میشود که زندگی مومنین به حیاتی پویا و فعال مبدل گردد و آفت سستی و بی مسئولیتی و بهانه جویی از زندگی فردی و اجتماعی رخت بربندد. همانگونه که اما باقر فرمودند: «الْكَسَلُ يَضُرُّ بِالْذِّينِ وَالْدُّنْيَا» «سستی به دین و دنیا ضرر میرساند.»

توجه به مسئولیت ها و ترک روحیه بهانه جویی، انسان را از اشتغال به امور بیهوده و لهو باز میدارد و سخت کوشی و اعتلای اهداف را به دنبال دارد. چرا که سستی و بهانه جویی، جامعه را از رشد و پیشرفت باز میدارد. و افراد را از انجام کارهای مهم و بزرگ دلسرد می نماید. و روحیه تن پروری و سستی نیز آفتی می‌گردد که در پی آن به جان دینداری افراد جامعه می افتد. در واقع سستی و کاهلی

یک فرد و بہانہ تراشی های دائم او موجب کمتر شدن انگیزه سایرین نیز می شود و آن ها را نیز به سستی میکشاند. رفته رفته این روحیه بد و بهانہ ها در جامعه سرایت کرده و به صورت عمومی شیوع پیدا می کند و نهایتاً جامعه نیز متأثر از این کاهلی ها در مسیر تعالی، مبتلا به کندی و حتی توقف میشود.

7- وسوسه شیطان

از دیگر آفات و تهدیدهای اساسی راه سعادت بشر و مانع بزرگ انجام اعمال صالح و اطاعت اوامر الهی، شیطان است. او که در ابتدای خلقت انسان برای گمراه نمودن انسان از راه عبودیت و بندگی حق تعالی قسم خورده است. شیطان در مقابل پرستش حق ایستاده و دشمنی آشکار برای انسان است با حیلہ های متنوع و بی حساب. از این روی قرآن کریم بشر را نسبت به این تهدید هشدار داده و عهد الهی را به انسان یاد آور شده که هدف، پرستش خداست و در راه این عبودیت، انسان نباید دچار شیطان پرستی گردد: «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ. وَ أَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»³¹

«آیا با شما عهد نکردم ای فرزندان آدم که شیطان را نپرستید، که او برای شما دشمن آشکاری است؟ و اینکه مرا بپرستید که راه مستقیم این است.»

شیطان از راه وسوسه نمودن انسان، او را از راه اطاعت خداوند، گمراه می نماید و تنها راه در امان ماندن از وسوسه های این دشمن خطرناک، پناه بردن به خدای یگانه است. چرا که نحوه و روش شیطان برای ایجاد وسوسه در دل انسانها، تزئین و زیبا جلوه دادن گناهان و محرمات الهی است و با این شیوه انسان را شیفته ی انجام گناه نموده، راه اجرای دستورات دین را می بندد:

«وَزَيَّنَّ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ»³²

«و شیطان اعمالشان را در نظرشان جلوه داده، و آنها را از راه بازداشته و از این رو هدایت نمی شوند.»

شیطان از راه خواسته ها و تمایلات نفس انسان، وارد میشود و با بهره گیری از هوای نفس انسان و زیبا جلوه دادن خواهشات نفسانی در نظر انسان و دادن وعده های دروغین به او، تمام تلاش خود را در راه دشمنی سخت خود با بشر بکار میگیرد.

«يَعِدُّهُمْ وَيُخَيِّبُهُمْ وَ مَا يَعِدُّهُمْ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا»³³

«شیطان به آنها وعده‌ها (ی دروغین) می‌دهد و به آرزو‌ها، سرگرم می‌سازد در حالی که جز فریب و نیرنگ، به آنها وعده نمی‌دهد.»

شیطان با غافل نمودن انسان، او را به دنبال خود می‌کشاند و مجاب به پیروی از خود می‌نماید. این دشمن قسم خورده، برای اینکه ادعای خود مبنی بر برتری از انسان‌ها را ثابت کند، بی وقفه در تلاش است که نسل انسان‌ها را به گمراهی و عصیانگری بکشاند تا جایی که هیچ انسان صالح و خداجویی باقی نماند.

«إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ»³⁴

«تسلط او تنها بر کسانی است که او را به سرپرستی خود برگزیده‌اند، و آنها که نسبت به او [خدا] شرک می‌ورزند (و فرمان شیطان را به جای فرمان خدا، گردن می‌نهند)»

لذا بسیار ضروری است که انسان مومن از این آفت بزرگ که هر لحظه با هزار رنگ، ایمان او را تهدید می‌کند و در کمین سعادت اوست بر حذر باشد و با هوشیاری خود را از وسوسه‌ها و تسویلات شیطان حفظ نماید و در اره عمل به مفاد ایمان، از خداوند یگانه استمداد نماید.

8-تبلیغات منفی دشمنان

در تاریخ بشریت همواره کسانی بودند که دین را مخالف منافع و نقشه‌های شیطانی خود می‌دیدند و برای از بین بردن دین تمام تلاش خود را بکار گرفتند. برای این هدف از راه کمرنگ کردن عقاید دینی دینداران پیش رفته و با انواع توطئه‌ها و برنامه ریزی‌ها علیه دین و اعتقادات دینی تبلیغات منفی را گسترش دادند. دین مبین اسلام که آخرین و کاملترین دین الهی است و با تمام انحرافات بشری به مبارزه برخاست و مامور به هدایت بشر تا قیامت گشت، بیش از سایر ادیان مورد دشمنی و شتمانت و حسادت قرار گرفت و از ابتدای ظهورش تا کنون با انواع توطئه‌ها روبرو بوده است. چرا که ماهیت اسلام آزادی، خداپاوری و فرود آوردن سر تسلیم فقط در برابر ذات یگانه است، اما ماهیت دنیا طلبان و استثمارگران و استعمارگران، به بند کشیدن دیگران و به بردگی در آوردن آنها برای تحقق جاه طلبی‌های خودشان است. لذا این دو کاملاً نقطه مقابل یکدیگر هستند.

در این عصر نبوغ بشر در میدان ارتباطات جمعی، که استعمارگران در عرصه ی بین المللی فعالیت میکنند و با هدف تسلط بر تمام دنیا و به استضعاف کشیدن و حکمرانی بر جهان از هیچ تلاش و ظلمی دریغ نمی کنند، خطر دشمنان نسبت به دین اسلام دوجندان گشته چرا که مسلمانان با راهنماییهای کتاب هدایت الهی، و اجرای دستورات آن، مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم طاغوتیان را و تکیه بر ذات احدیت را سر لوحه زندگی خویش قرار داده اند و سر تسلیم در برابر استعمارگران خم نمی کنند. از این روی دشمنان اسلام نیز با برنامه و انسجام بیشتر و دقیقتر به فرو پاشی جوامع اسلامی و از بین بردن عقاید اسلامی می اندیشند و از راهکارهای متنوعی برای رسیدن به اهداف شوم خود بهره میبرند .

لذا قرآن حکیم این آسیب و تهدید مهم را به مومنین متذکر شده و نیرنگهای دشمنان را برملا ساخته و هوشیاری در برابر توطئه های دشمنان را برای حفظ ایمان و عمل به دستورات اسلام، ضروری می داند. قرآن به صراحت بیان میدارد که کفار که دشمنان اسلام اند، در پی زودن و از بین بردن دین هستند:

«يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَن يُتِمَّ نُورَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»³⁵

«آنها می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند ولی خدا جز این نمی خواهد که نور خود را کامل کند، هر چند کافران ناخشنود باشند.»

آری هدف آنان گمراه ساختن مسلمین از مسیر حق است و برای این کار از ابزارهای مختلف استفاده می نمایند. از مهمترین کارهای دشمنان اسلام تبلیغات منفی علیه دین و قرآن و بزرگان دین است و برای این هدف، سعی می کنند مردم را از آشنایی با معارف و درسهای قرآن کریم دور نگه دارند و مانع تمسک مردم به این کتاب هدایت گردند. چنانچه قرآن کریم این حقیقت را بیان نموده:

«وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلُونَ»³⁶

«کافران گفتند: «گوش به این قرآن فراندهید و به هنگام تلاوت آن جنجال کنید، شاید پیروز شوید.»

براستی که این هشدار قرآن کریم چه به جا و عین واقعیت است. اندکی دقت در اوضاع کنونی جهان و توسعه انواع وسایل ارتباط اجتماعی، نشان میدهد که دشمنان دین چگونه با انواع ترفندها به دنبال کارشکنی و دور نمودن مردم از قرآن و اسلام هستند و چگونه با اشاعه فحشا جوانان را مشغول می نمایند؟ چگونه با

تبلیغ منفی علیہ بزرگان دین و علما مردم را از اطراف آنان پراکنده می سازند و از راهنماییهای آنان محروم می نمایند؟ چگونه با القاء انواع شبهات و سخنان مغالطه آمیز اذهان مردم را مسموم می نمایند و از دین و قرآن ناامید و دلسرد می گردانند؟ چگونه با تفرقه افکنی میان مسلمین عقاید مسلمانان را متزلزل می سازند؟ و متأسفانه مردم جوامع اسلامی چگونه به سادگی فریب خورده، آلت دست دشمنان هدایت و سعادت بشر قرار می گیرند. آری تمام آرزو و آمال دشمن دور کردن مسلمانان از قرآن است چرا که قرآن محور هدایت بشر به سوی حق است و عمل به آیات قرآن باعث نابودی جبهه ی باطل می گردد. ازین روی دشمنان، پیامبر اسلام و آورنده قرآن را ساحر و مجنون می خوانند تا قرآنش مورد استقبال جامعه قرار نگیرد .

از دیگر حربه های دشمنان اسلام، تحقیر و تمسخر حق پرستان است که بدین وسیله سعی در منزوی نمودن مومنین دارند تا انسانهای ساده لوح و ضعیف الایمان با شنیدن حرفهای دشمنان اعتماد به نفس خود را از دست بدهند و از عقاید دینی منصرف گردند .

«وَيُجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَ اتَّخَذُوا آيَاتِي وَ مَا أُنْذِرُوا هُزُوًا»³⁷

«اما کافران همواره مجادله به باطل می کنند، تا (به گمان خود،) حق را بوسیله آن از میان بردارند! و آیات ما، و مجازاتهایی را که به آنان وعده داده شده است، به باد مسخره گرفتند.»

لذا شایسته است که مومنین به فرمان قرآن کریم همواره نسبت به خطر بزرگ کارشکنی های دشمنان اسلام، هشیار باشند و با بصیرت و دانایی دشمن را شناسایی نمایند و راه های مبارزه با دشمنان و طریقه خنثی سازی توطئه های آنان را بیاموزند .

9- اشاعه منکرات و ترک معروف در جامعه

از مهمترین آسیبهای تهدید کننده دینداری و عمل به احکام دین، شیوع فحشا و منکرات و گناهان و ترک حسنات و اعمال نیک در جامعه است. ترویج گناهان در بین مردم باعث میشود که به تدریج قبح و زشتی گناه در دید مردم ار بین برود و انجام آن گناه امری عادی تلقی شود و در نتیجه انجام محرمات و پایمال نمودن دستورات دین، عادی گشته در مقابل، ترک اعمال نیک و عمل به فرامین الهی نیز

ناچیز تلقی گردد۔ لذا قرآن کریم برای مبارزہ با این تہدید و حفظ دین از این آسیب، بہ عاملان شیوع فحشاء در جامعہ وعدہ عذاب میدہد:

«أَنَّ الَّذِينَ يُجِبُونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»³⁸

«کسانی کہ دوست دارند زشتیہا در میان مردم با ایمان شیوع یابد، عذاب دردناکی برای آنان در دنیا و آخرت است و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید»

ظرافت و دقت قرآن کریم در شناسایی درہای جامعہ اسلامی بہ قدری است کہ در این آیہ شریفہ نفرمودہ کسانی کہ اشاعہ ی فحشاء میکنند۔ بلکہ فرمودہ کسانی کہ حتی دوست دارند اشاعہ فحشاء شود نیز گرفتار عذاب می‌گردند! اشاعہ ی ہر نوع گناہ کوچک و بزرگ در جامعہ موجب انحراف مردم از دین و تخلف از احکام دین می‌گردد و در واقع این نوعی ستیز با دین و مانع تحقق اہداف والای قرآن کریم در جامعہ اسلامی است و بہ حق کہ چنین عملی (اشاعہ گناہ)، از خود گناہ نیز بزرگتر است چرا کہ باعث بہ گناہ افتادن و منحرف شدن افراد بسیاری از مسیر ہدایت و حق می‌گردد و چہ بسا سنت سینہ ای در جامعہ پایہ ریزی شود و نسلہایی را بہ انحراف بکشاند۔ و البتہ گناہ و مکافات افرادی کہ خودشان فحشا نمیکند یا اشاعہ دہندہ نیز نیستند، اما میل دارند کہ در جامعہ فحشا گسترش یابد نیز، بہ جای خود باقیست! لذا مومنین باید این آفت را نیز بشناسند و نسبت بہ آن ہشیار باشند کہ در جامعہ نہ دوستدار اشاعہ ی منکرات باشند نہ در زمرہ ی عاملان شیوع منکرات قرار گیرند و نہ خود بہ انجام گناہان و منکرات بپردازند۔ تا محیطی سالم در جامعہ اسلامی فراہم گردد۔

10-ربا خواری

از مهمترین و پر خطر ترین آفات احکام عملی در زمینہ اقتصادی، رواج ربا در جامعہ است۔ ربا از جملہ مهمترین مسائل مالی و اقتصادی است کہ در دستورات قرآن کریم و دین مبین اسلام شدیداً مورد نہی قرار گرفته است۔ اندک تاملی لازم است کہ نقش مخرب ربا و آثار بسیار زیانبار آن را در جامعہ پیش روی آورد۔ از مخرب ترین آثار ربا در جامعہ، ایجاد فاصلہ طبقاتی و اجتماع ثروت در دست افرادی محدود میباشد۔ و وجود فاصلہ طبقاتی در جامعہ موجب زوال و عقب ماندگی جامعہ و ارتکاب انواع فسادہا و جرایم در جامعہ است۔ در حالیکہ همانطور کہ قبلاً و در بخش عبادت های مالی اشارہ شد، دین اسلام، ہموارہ تاکید بر از بین بردن فاصلہ های طبقاتی داشتہ و بہ شدت با چندگانگی و چند دستگی

جامعہ از این حیث مخالف بوده است و با فرایض و دستوراتی همچون زکات، خمس، انفاق و... می خواهد ریشه این اختلافات را بخشکند. چرا که این اختلافات، نطفه منحوسی برای به وجود آمدن فسادها و مشکلات مختلف در جامعہ هستند؛ از جمله اینکه بذر نفاق و دشمنی را در بین افراد جامعہ می پاشند.

در مذمت ربا در قرآن کریم همین بس که کتاب خدا ربا را عامل برهم زنده تعادل میدانند: «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ»³⁹

«کسانی که ربا می خورند [در میان مردم و برای امر معیشت و زندگی] به پای نمی خیزند، مگر مانند به پای خاستن کسی که شیطان او را با تماس خود آشفته حال کرده [و تعادل روانی و عقلی اش را مختل ساخته] است»

ربا خوار تعادل ندارد زیرا در اثر افزون طلبی و نگرانی مداوم از بازنگشتن پولش و ترس از انتقامجویی کسانی که خون آنها را مکیده و به روز سیاه انداخته است، همواره در نگرانی و دلهره و اضطراب به سر می برد و در نتیجه، تعادل روحی خود را از دست داده است و این بدترین نوع زندگی است. چنین اشخاصی هر چند هم پولدار باشند، در آسایش و آرامش نیستند و مانند شخص دیوانه هستند که توازن و تعادل ندارند. می توان گفت که آیه عام است و حال آنها را هم در دنیا و هم در آخرت بیان می کند زیرا در دنیا این عدم تعادل را در زندگی رباخواران حرفه ای به چشم خود می بینیم و ممکن است در آخرت نیز آنها وقتی از جای خود می خیزند دچار عدم تعادل شوند و با این علامت در میان اهل محشر شناخته شوند و همه بدانند که اینان رباخواران هستند.⁴⁰

ربا از پدیده های شوم اقتصادی است که انسان به سبب طمع و آز گرفتار آن می گردد بی آنکه به عواقب ناگوار آن برای خود و جامعہ بیندیشد. این بیماری، سلامت اقتصادی جامعہ را تهدید می کند و سرمایه های جامعہ را در راه های نادرست به باد میدهد. که شیوع ربا خواری در جامعہ، روح نوع دوستی و حس ترحم نسبت به نیازمندان را از بین می برد و انسان را دچار ستم به زیردستان خود می نماید.

11- اکل مال یتام

از دیگر آسیبہایی که حوزه ی عمل به احکام دین را تهدید می کند و از معضلات موجود در جوامع بشری است، ظلم به یتام و حیف شدن اموال آنان است چرا که هیچ جامعه ای از وجود یتام خالی نیست که به علت فقدان سرپرست، ممکن است در معرض ظلم افراد مختلفی قرار بگیرند و ضمن محروم ماندن از حق خود، زمانی که به سن بلوغ و جوانی برسند نیز به دلیل کمبودها و محدودیت های مختلفی که داشته اند، تبدیل به انسانهای آسیب پذیر و منفعل در جامعه بشوند یا در جستجوی سرپناه و رفع نیازهای مادی و مالی خود، خواسته یا ناخواسته به سمت مفاسد اجتماعی، تبهکاری و بزهکاری سوق پیدا کنند. لذا کتاب جامع هدایت و سعادت بشر، قرآن کریم در نظام اجتماعی ایده آل خود به این قشر نیز توجه تام میذول داشته و در مورد یتام سفارش نموده و از هر نوع ظلم و اجحافی در حق آنان نهی نموده و حتی نزدیک شدن به اموال یتام را نیز ناجایز دانسته است و با صراحت تمام، بدترین عواقب را برای ظلم در حق یتام بیان داشته است .

«و لَا تَقْرُبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»⁴¹

«و به مال یتیم، جز به بهترین راه نزدیک نشوید.»

در این آیه با تاکید تمام از تصرف نابجا در مال یتیم نهی نموده و تنها شرط نزدیک شدن به مال یتام را تصرف به قصد نیک و اندیشیدن به مصلحت و سود آنان دانسته که با کار اقتصادی و تجاری بی ضرر، موجب تامین آینده آنان گردد.⁴²

«إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا»⁴³

«کسانی که اموال یتیمان را به ظلم و ستم می خورند، تنها آتش می خورند و بزودی در شعله های آتش (دوزخ) می سوزند.»

ستمکاری نوعی آتش است که در دلها ذخیره می شود، آنهم ستمی که به ناتوان ترین و بی پناهنترین افرادی چون یتیمان شود. این آتش که در آینده دور و نزدیک شراره می کشد و بیرون می زند این آیه بیانگر انعکاس چنین ظلم و تجاوزی در دنیا و ظاهر زندگی است.⁴⁴

قرآن کریم نهایت تهدید را نسبت به ظلم به یتام بیان داشته و آزار و ستم به یتام را اثر ضعف ایمان و تکذیب دین میخواند.⁴⁵ چرا که این ستم و بی مبالاتی نسبت به یتام، نه تنها خانمان فرد ظالم را به باد میدهد بلکه آثار ناشی از این ستم دامنگیر

جامعه و نسل او نیز می‌گردد. لذا در جامعه ایده آل قرآنی که ایمان حقیقی در وجود آن رسوخ نموده، افراد به فکر ضعفا هستند و به منافع آنان می‌اندیشند و کودکان بی سرپرست را چون فرزندان خود مورد توجه و حمایت قرار داده و از به باد رفتن سرمایه و دارایی آنان جلوگیری می‌نمایند و چنین است که جلوی مفاسد بسیاری در جامعه گرفته می‌شود آینده کودکان بی سرپرست و محروم بسیاری، تامین می‌گردد و جامعه از معضلات زیادی نجات می‌یابد.

12- رشوه خواری

رشوه و اعطای مال جهت از بین بردن حق، در دین اسلام امری حرام و به شدت مورد نهی است.

قرآن کریم می‌فرماید:

«وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ»⁴⁶

«و اموال یکدیگر را به باطل (و ناحق) در میان خود نخورید! و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه، (قسمتی از) آن را (به عنوان رشوه) به قضات ندهید، در حالی که می‌دانید (این کار، گناه است).»

این گناه بزرگ و عمل ناپسند، از بزرگترین تهدیدها و آفات اجرای احکام الهی و اجرای عدالت در جامعه است و به همین سبب در آیات و روایات مورد مذمت و نهی قرار گرفته است. اما متأسفانه در بخشهای مختلف جامعه این گناه در قالب نامهای دیگری چون هدیه، حق الزحمه و انعام رواج دارد در حالیکه این ماهیت پلید به هر نامی ظاهر گردد همان رشوه است و تغییر دادن نام، مانند سر خود کلاه گذاشتن است که زشتی این گناه و قبح آن را از بین نمی‌برد و حرمت آن زایل نمی‌شود. چرا که جامعه بدون تشکیلات سالم و روابط کاری ضابطه مند، از هم می‌پاشد و رشوه فساد است که در هر بخشی از سیستم اداری و حکومتی و اجرایی وارد شده، نظام و حکومت را فلج می‌نماید. رشوه عامل ظلم و حق‌کشی و عدم اجرای عدالت در جامعه است. رشوه می‌تواند عامل خیانت به مملکت و نظام و موجب فرو پاشی حکومت گردد. رشوه عامل بدبختی اقشار ضعیف جامعه و ستم در حق آنان است که در اینصورت عوام از حکومت اسلامی دلسرد می‌گردند و حقیقت عدل اسلامی پایمال می‌گردد. رشوه سمی خطرناک و مهلک است که ریشه

ہای ایمان افراد را می خشکاند و موجب رشد تظاهر به ایمان و نفاق در جامعه اسلامی می گردد. امام باقر علیہ السلام فرموده اند:

«أَمَّا الرُّشَا فِي الْأَحْكَامِ فَإِنَّ ذَلِكَ الْكُفْرُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَ بِرَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ»⁴⁷

«اما رشوه در حکم و قضاء، کفر به خداوند بزرگ و رسولش است.»

چرا که رشوه دهنده و رشوه گیرنده هر دو بدون توجه به آنکه مصالح کارها به دست خداست اقدام به این گناه و نافرمانی خداوند متعال می نمایند. از این روی رواج رشوه که عامل زوال ایمان انسان است، در جامعه اسلامی بسیار خطرناک است و مانع سعادت دنیوی و آخروی افراد جامعه می گردد. همانگونه که:

«لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ نَبَتَ حُمُهُ مِنَ السُّخْتِ، النَّارُ أَوَّلُ بِهِ»⁴⁸

«کسی که گوشتش از حرامخواری روییده باشد، داخل بهشت نخواهد شد و دوزخ برای او سزاوارتر است.»

اکل حرام، موجب قساوت و کدورت قلب و بسته شدن چشم و گوش انسان بر شنیدن صدای حق میشود و مانند غل و زنجیری است که به پای انسان بسته شده و حرکت به سمت سعادت را برای او غیر ممکن می سازد.

رشوه حس مال دوستی و دنیا پرستی را در انسان رشد میدهد و موجب خاموش شدن نور معنویت در انسان می گردد. قرآن کریم این برنامه جامع هدایت و سعادت بشر، حکیمانه با ممنوع و حرام اعلام نمودن این پدیده ی شوم در جامعه اسلامی، راه بر این آفت و بیماری مهلک بسته است. لذا رشوه خواری و حق کشی در جامعه ایده آل قرآنی هیچ جایگاهی ندارد و دوری از این گناه، عامل بسیاری از مشکلات را در جامعه ی قرآنی از بین میبرد. لذا بسیار لازم است که تمام بخشهای اجرایی در جامعه اسلامی، نسبت به مسئله رشوه و عواقب خطرناک آن آگاه باشند و پرهیز از این گناه را سرلوحه کار خود قرار دهند.

13-تجمل گرایی و مصرف گرایی

یکی از مهمترین آفاتی که در طول تاریخ دینداری و دین مداری انسانها را تهدید کرده و مخصوصا در زمینه امور مالی اجرای دین را تهدید نموده و در این عصر نیز بیش از هر زمان در تقابل با اجرای دستورات دین ناب محمدی و اجرای سنن معصومین علیهم السلام، دینداران را به خود مشغول داشته تجمل گرایی است. به معنای توجه بیش از حد به آراستن و زیبا طلبی در دنیا. البته روح زیبایی دوستی

در سرشت انسان است و در حد معقول آن، مورد تایید قرآن کریم نیز است چرا که اسلام دین زیبایی و زیبایی دوستی است. و تاکید بر آراستن خود در متون دینی فراوان است. قرآن کریم می‌فرماید:

«قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ...»⁴⁹

«بگو، چه کسی زینت‌های الهی را، که برای بندگان خود آفریده، حرام کرده است؟»

در تفسیر عیاشی در روایتی از امام حسن مجتبی ع آمده است: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ فَأَتَجَمَّلُ لِرَبِّي وَ هُوَ يَقُولُ: خَلُّوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ»⁵⁰

«خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد، به این جهت، من لباس زیبا را برای راز و نیاز با پروردگارم می‌پوشم و هم او دستور داده است که زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد برگیرید.»

پاکیزه و آراسته زیستن سیره معصومین است و زیبا نگه داشتن محیط زندگی اثرات بسیار سازنده ای بر روحیه انسان دارد و حس مسرت و پویایی را به ارمغان می آورد. اما نکته ی قابل توجه در بحث مورد نظر آنست که این زیبایی دوستی به افراط کشیده شود و به آفتی تبدیل گردد که انسان را چنان به خود مشغول بدارد که از دین و احکام آن فاصله گیرد و چه بسا به خاطر تجمل گرایی گرفتار انواع فساد مالی و ستم به دیگران گردد. به طور کل می توان گفت تجمل گرایی افراطی نوعی دنیا زدگی است که انسان را از حال خود و مسئولیت هایش غافل می سازد و او را وابسته به مادیات می نماید و در نتیجه معنویات و توجه به دین در نظر او کمرنگ گشته و از دین و دستورات دینی فاصله می گیرد.

«إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَ كَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كُفُورًا»⁵¹

«چرا که تبذیرکنندگان، برادران شیاطینند و شیطان در برابر پروردگارش، بسیار ناسپاس بود.»

در نتیجه فرو رفتن در تجمل گرایی نه تنها مومنین را از برنامه های دینی غافل می سازد بلکه تجمل گرایان به ظلم در حق ضعیفان و فقرا نیز دچار میگردند و از ادای حقوق مالی مستمندان ابا می ورزند. و همچنین با غرور و تکبر کاذبی که برای خود درست کرده اند، از نشست و برخاست با فقرا اکراه پیدا می کنند و با

تکرار این کردار ناپسند، بر چند دستگی و اختلاف طبقاتی جامعه دامن می زنند که همانطور که قبلا اشاره شد، این چند دستگی در جامعه، خود ریشه بسیاری از شقاوت هاست. تجمل گرایی انسانها را وابسته به دنیا می نماید و جامعه تجمل گرا مصرف گرا می شود و این خواسته دشمنان جوامع اسلامی است. چرا که با رشد مصرف گرایی، علاوه بر به وجود آمدن اختلاف طبقاتی، چرخ تولید جامعه از نیز حرکت باز می ایستد؛ جامعه آلت دست استعمارگران میشود که به جای تلاشهای اقتصادی سازنده، به مصرف کننده کالای دشمنان تبدیل گشته و تمام ذخایر خود را به جیب دشمنان ریخته و موجب تقویت قوای آنان میگردد. به همین جهت است که خداوند زیاده روی و اسراف در استفاده از نعمات را نمی پسندد: «كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»⁵²

«بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی دارد» لذا بجاست که تمام اقشار جامعه اسلامی از مصرف گرایی و تجمل گرایی برحذر باشند و به شیوه ساده زیستی و قناعت پیشگی پیشوایان دین اقتدا نمایند تا عمل به احکام دین در جامعه میسر گردد و تجمل گرایی جلوی اجرای احکام دین را نگیرد. با ساده زیستی و در گیر تجملات نشدن میتوان فرصت و نیروی بیشتری در جهات سازندگی و بالندگی خود و جامعه صرف نمود و از وابستگی به دشمنان و زورگویان عالم رهایی یافت.

نتیجه گیری

آنچه بیان شد از مهمترین آسیبها و موانع عملی تشکیل جامعه ی ایده آل قرآنی است و بررسی و تامل در آسیبها و موانع عملی نیل به سعادت در سایه دینداری، و شناخت راه های زدودن این موانع نقش بسزایی در تحقق جامعه ی متکامل انسانی و نیل به سعادت بشر دارد.

نا آگاهی از این خطرات و موانع، موجب بدبینی و دلسردی و حتی تنفر مردم از دین میگردد و این امر موجب طرد دین و دینداران از جوامع انسانی خواهد گشت. لذا بسیار ضروری است که با آگاهی بخشی به افراد جامعه نسبت به وجود این موانع، درک افراد جامعه از ضرورت دینداری بالا برده شود که در نتیجه ی

آن التزام عملی و رشد و شکوفایی جامعہ در سایہ فرامین و احکام الہی نمودار خواهد گشت.

حوالہ جات

1. سورہ احزاب، آیہ 13
2. کلینی، یعقوب، اصول کافی، ج 5، ص 12
3. سورہ عنکبوت، آیہ 2
4. سورہ حشر، آیہ 19
5. سورہ کہف، آیہ 28
6. سورہ انفال، آیہ 45
7. سورہ زخرف، آیہ 36-37
8. سورہ انبیاء، آیہ 1
9. مصباح الشریعة، منسوب بہ امام جعفر صادق ع، ص 171
10. نہج البلاغہ، خطبہ 28
11. نہج البلاغہ، حکمت 131
- حسینی موسوی، محمد بن ابیطالب، تسلیۃ المجالس و زینۃ المجالس، موسسۃ المعارف الاسلامیۃ، قم، 1418، ج 2، ص 252
13. سورہ منافقون، آیہ 9
14. سورہ توبہ، آیہ 38
15. سورہ حدید، آیہ 20
16. نہج البلاغہ، خطبہ 82
17. سورہ یونس، آیہ 7
- مکارم، ناصر، الامثل فی تفسیر الکتاب المنزل، نشر مدرسہ امام علی، قم، 1421، ج 6، ص 306
19. سورہ اعراف، آیہ 176
20. سورہ مائدہ، آیہ 70
21. سورہ قصص، آیہ 50
22. نصر بن مزاحم، وقعة صفین، نشر مرعشی النجفی، قم، 1404، ج 2، ص 3
- مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، نشر دار احیاء التراث، بیروت، 1423، ج 1، ص 474
24. سورہ صف، آیہ 2-3
25. سورہ بقرہ، آیہ 75
26. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ص 285
27. سورہ توبہ، آیہ 81

- سورہ انشقاق، آیہ 6. (ای انسان! تو با تلاش و رنج بسوی پروردگارت می روی و او²⁸ را ملاقات خواهی کرد.)
- سورہ نجم، آیہ 39. (و اینکه برای انسان بهره ای جز سعی و کوشش او نیست.)²⁹
- سورہ اسراء، آیہ 36. (گوش و چشم و دل، همه مسئولند)³⁰
- سورہ یس، آیہ 60-61³¹
- سورہ نمل، آیہ 24³²
- سورہ نساء، آیہ 120³³
- سورہ نحل، آیہ 100³⁴
- سورہ توبه، آیہ 32³⁵
- سورہ فصلت، آیہ 26³⁶
- سورہ کهف، آیہ 56³⁷
- سورہ نور، آیہ 19³⁸
- سورہ بقره، آیہ 275. (ترجمہ انصاریان)³⁹
- جعفری، یعقوب، تفسیر کوثر، ج 2، ص 38⁴⁰
- سورہ اسراء، آیہ 34⁴¹
- حسینی، سیدمحمد، تقریب القرآن الی الازھان، دارالعلوم، بیروت، 1424ق، ج 3، ص 308⁴²
- سورہ نساء، آیہ 10⁴³
- طالقانی، سیدمحمد، پرتوی از قرآن، نشر سهامی انتشار، تهران، 1362، ج 6، ص 29⁴⁴
- اشاره به سورہ ماعون، آیہ 1 و 2⁴⁵
- سورہ بقره، آیہ 188⁴⁶
- قطب الدین راوندی، فقه القرآن، نشر مرعشی، قم، 1405، ج 2، ص 26⁴⁷
- ورام بن ابی فراس، مجموعه ورام، ج 1، ص 61⁴⁸
- سورہ اعراف، آیہ 32⁴⁹
- عیاشی، محمدبن مسعود، تفسیر العیاشی، المطبعة العلمية، تهران، 1380ق، ج 1، ص 2، ج 2، ص 14⁵⁰
- سورہ اسراء، آیہ 27⁵¹
- سورہ اعراف، آیہ 31⁵²

منابع و مأخذ

1. قرآن مجید
2. نہج البلاغہ
3. جعفری، یعقوب، تفسیر کوثر، موسسہ انتشارات ہجرت، قم، 1376 ھ.ش.
4. حسینی موسوی، محمد بن ابیطالب، تسلیۃ المجالس و زینۃ المجالس، موسسۃ المعارف الاسلامیۃ، قم، 1418.
5. حسینی، سید محمد، تقریب القرآن الی الاذہان، دارالعلوم، بیروت، 1424ق.
6. طالقانی، سید محمود، پرتوی از قرآن، نشر سہامی انتشار، تہران، 1362 ھ.ش.
7. طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمد باقر موسوی، قم، نشر جامعہ مدرسین، 1417.
8. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، نشر ناصر خسرو، تہران، 1372 ھ.ش.
9. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، المطبوعۃ العلمیۃ، تہران، 1380ق.
10. قطب الدین راوندی، فقہ القرآن، نشر مرعشی، قم، 1405.
11. کلینی، یعقوب، اصول کافی، دار الکتب الاسلامیہ، تہران، 1407.
12. مصباح الشریعۃ، منسوب بہ امام جعفر صادق ع، نشر اعلیٰ، بیروت، 1400ق.
13. مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، نشر دار احیاء التراث، بیروت.
14. مکارم، ناصر، الامثل فی تفسیر الکتاب المنزل، نشر مدرسہ امام علی، قم، 1421.
15. نصرین مزاحم، وقعۃ صفین، نشر مرعشی النجفی، قم، 1404.
16. ورام بن ابی فراس، مجموعہ ورام، نشر مکتبۃ فقیہ، قم، 1410.